نگاه

تب فرانسوی: انتقام زهرآگین

ترجمه: دلارام عظیمی

ایتالیا فاتح رقابت‌های جام جهانی شد و اینک عنوان قهرمان دنیا را با خود یدک می‌کشد و البته آن را تا سال ۲۰۱۰ نیز با خود به همراه دارد. اگر فرانسوی‌ها شب و روز این نکته را به یکدیگر یادآوری می‌کنند به این خاطر است که حافظه بعضی مواقع شوخی‌های بد و تلخی را در ذهن زنده می‌کند. فرانسوی‌ها در تمامی مکالمات روزمره خود، در مقاله‌های صفحه نخست روزنامه‌ها و در تفسیرهای ورزشی مستقیم تلویزیونی، این مسئله را بارها و بارها مطرح می‌کنند. اگر امروز هم آن را تکرار می‌کنند، دو ماه پس از فینال برلین و دقایقی پیش از بازی امشب مقابل لاجوردی‌پوشان در مرحله مقدماتی جام ملت‌های ۲۰۰۸ اروپا، اگر واژه انتقام در قلب همه آنها نهفته، در عوض هیچ‌کس اجازه ندارد در ادبیات رسمی آن را به زبان بیاورد و دقیقاً از سوی زین‌الدین زیدان چهره شاخص دیدار فینال برلین پیامی مبنی بر ارائه یک بازی جوانمردانه برای همگان ارسال می‌شود. زیدان پریروز در لیون و در جمع ۲۵ هزار نفری که برای استقبال از وی تجمع کردند، وقتی که اکثر حاضرین را پسربچه‌های کم‌سن و سالی که او را الگوی خویش به شمار می‌آورند، دید این جملات را بر زبان آورد: «بازی جوانمردانه بخشی از ادب و تربیت محسوب می‌شود و به همین دلیل هرگز نباید آن را فراموش کرد.» اگرچه برای وی این اتفاق در بزرگترین رویداد ورزشی دنیا مقابل ایتالیا رخ داد ولی به عقیده زیزو آن کارت قرمز به گذشته تعلق دارد. اتفاقی که افتاده و کاری نمی‌شود کرد. با این حال زیدان اصرار دارد که این نکته را به همه گوشزد کند: «من امیدوارم که این پسربچه‌ها هرگز چنین اشتباهی در زندگی خویش مرتکب نشوند. همان‌طور که به فرزندانم این مسئله را یادآوری کردم.» به هر حال کافی است که این روزها در فرانسه مجله و روزنامه‌ای را ورق بزنید تا متوجه شوید دیدار امشب در پاریس با چه ترس و استرسی از سوی هواداران فرانسوی دنبال می‌شود. اضطرابی که به هیچ‌وجه نمی‌تواند برای یک دیدار مقدماتی جام ملت‌های اروپا توجیه‌پذیر باشد. حتی یک سایت ورزشی طی روزهای قبل مجبور شد تا یکی از بخش‌های نظرسنجی خویش را به دلیل «اظهارات غیرقابل قبول» تعطیل نماید. فروشندگانی که بلیت این مسابقه را به صورت آن‌لاین عرضه می‌نمایند به این بازی عنوان «انتقامی» اطلاق کرده‌اند و این در حالی است که می‌دانیم کینه و دشمنی دیرینه فرانسوی‌ها نسبت به ایتالیایی‌ها تحت‌تاثیر مسائلی همچون تحسین، حسادت و یا حتی نوعی «سمپات داشتن» تغییر می‌کند. به همین دلیل احتمال اینکه هواداران آتزوری در دیدار امشب با خشونت یا بدرفتاری فرانسوی‌ها مواجه شوند بسیار بعید به نظر می‌رسد. همان‌طور که این احتمال می‌رود در صورت پیروزی فرانسه، کاروان‌های شادی و کرهای

دسته‌جمعی برای مسخره کردن طرفداران ایتالیایی در خیابان‌ها راه بیفتد. این در حالی است که مسلماً در میدان مسابقه همه چیز باید در غیاب بزرگانی نظیر زیدان و ماتراتزی، توتی، بارتز، تونی و ترزگه به شکل دیگری پیش رود. شاگردان دومنک در عوض همچون خود وی با این فلسفه به دیدار امشب قدم می‌گذارند: «این بازی هم مثل همه دیدارهای دیگر. مهم صعود به مرحله بعدی است. هیچ انتقام و کینه‌ای هم در کار نیست!» اکیپ سرشناس‌ترین روزنامه ورزشی فرانسه این خط‌مشی را در سرمقاله خود برای همه دیکته کرده است. «مسلماً در این روزها خیلی از فینال برلین، پنالتی‌ها، افسوس‌های جاودانه، زیدان و ماتراتزی و البته انتقام حرف زده خواهد شد. حیف که هیچ‌کس نمی‌تواند چهارمین عنوان قهرمانی دنیا را از ایتالیا پس بگیرد و البته که نمی‌توان انتقام فینال جام جهانی را با پیروزی در یک بازی مقدماتی جام ملت‌های اروپا گرفت. تنها نگرانی ممکن برای فرانسه کسب سه امتیاز این دیدار خانگی است. و تنها راه جلو رفتن، عقب برنگشتن!» معنی این عبارات خیلی ساده است. فرانسوی‌ها با شعار پیروزی، پیروزی، پیروزی به این میدان قدم خواهند گذاشت. و اگر تحقق این امر به شکلی سنگین و تلافی‌جویانه میسر باشد که خب چه بهتر! روزنامه‌های فرانسوی پس از دیدار شنبه‌شب ایتالیا در برابر لیتوانی که با تساوی یک بر یک خاتمه یافت از هیچ واژه و صفتی برای تحقیر آتزوری دریغ نورزیدند. شرایط فیزیکی ناامیدکننده و غیرت و تعصب بسیار اندک، عباراتی بودند که در توصیف بازیکنان دونادونی بر صفحات مطبوعات فرانسه نقش بستند. آبی‌های فرانسوی دقیقاً برخلاف ایتالیا عمل کردند و گرجستان را از پیش روی خویش برداشتند تا آماده خط زدن خاطره تلخ شب نهم جولای گذشته شوند. چرا که در فرانسه خیلی‌ها بر این باورند که برنده اخلاقی فینال برلین آنها بودند و نه ایتالیا! و تاریخ این بار باید به گونه‌ای رقم خورد که حق ضایع گشته آنها به شکلی صحیح و درست ادا گردد. دیدار امشب در پاریس یکی از پربیننده‌ترین بازی‌هایی است که در استاد دوفرانس برگزار شده است. همیشه نبرد ایتالیا و فرانسه حکم یک داربی را داشته است!

منبع: ایل مساجرو

امشب فرانسه-ایتالیا در پاریس

شب انتقام از پسرعموهای ایتالیایی

سایمون کوپر

ترجمه: بهرنگ داودی

کینه قدیمی که همیشه بین فوتبال‌دوستان فرانسه و ایتالیا وجود داشته است دوباره سر باز کرده است. مثل آتش زیر خاکستر که قادر است در یک لحظه قدرت نهفته خود را آشکار کند. این دشمنی هم بار دیگر در آستانه رسیدن به اوج است. آخرین باری که ایتالیایی‌ها در فرانسه با استقبال خشن و تنفرانگیز هواداران فوتبال مواجه شدند به سال ۱۹۳۸ برمی‌گردد. جام جهانی آن سال در فرانسه برگزار می‌شد. قطار حامل بازیکنان ایتالیا در ایستگاه مارسی توقف کرد تا بازیکنان این تیم که برای قهرمانی راهی بازی‌ها شده بودند پیاده شوند. حدود سه هزار تظاهرکننده خشمگین ضدفاشیست که اکثر آنها ایتالیایی‌های تبعیدی بودند به بدترین شکل اعتراض خود را به حضور آنها اعلام کردند. تنها برخورد با این قضیه پوشیدن پیراهن سیاه فاشیستی در دیدار برابر فرانسه بود که جرقه این اختلافات را دامن زد. به نظر می‌رسد شرایط در دیدار چهارشنبه‌شب پاریس تا حد زیادی - البته به صورت مدرن- شبیه باشد. نزدیک به دو ماه پس از فینال جام جهانی که با برتری آتزوری به پایان رسید دو تیم این بار در مقدماتی یورو ۲۰۰۸ به مصاف هم می‌روند تا ریشه‌های اختلافات قدیمی دوباره جوانه بزنند. در فوتبال امروز فرصت برای تسویه‌حساب‌های تاریخی خیلی زیاد دست نمی‌دهد و به نظر می‌رسد چهارشنبه یکی از آن شب‌های خاطره‌انگیز- البته از بعد منفی- باشد؛ یک دوئل تمام‌عیار در پاریس.

■ جنگ و صلح تاریخی

همه چیز از گذشته ریشه دارد. برای اهالی ایتالیا، فرانسه هیچ وقت کشوری فوتبالی نبوده است و آنها این احساس خود را همیشه با جملاتی تحقیرآمیز به رقیبان خود تحویل می‌دهند. توماز و پلیتزاری یکی از کارشناسان فوتبال ایتالیا در توصیف این تفکر می‌گوید: «لیگ فرانسه برای ما ایتالیایی‌ها اصلاً جذاب نیست، هر چقدر رقابت‌ها در این کشور اوج بگیرد و شبکه‌های تلویزیونی روی آن مانور دهند در ایتالیا هیچ‌کس کوچک‌ترین توجهی نمی‌کند و اصلاً انگار فوتبالی در فرانسه وجود ندارد.»

او پس از آن توضیح می‌دهد هواداران یک تیم باشگاهی ایتالیایی اگر از همتای فرانسوی خود شکست بخورند احساس شخصی را دارند که سگ پایش را گاز گرفته است! و البته فرانسوی‌ها هم احساسی کاملاً مشابه دارند. آنها طرف مقابل را به تقلب و نیرنگ همیشگی در فوتبال متهم می‌کنند. اعتقاد دارند در فوتبال ایتالیا بازی‌هایی که در درون زمین انجام می‌شود نمایشی مضحک بیش نیست.

با این وجود احساسات کینه‌توزانه گاهی اوقات و در مقاطعی فروکش کرده است. فرانسوی‌ها معمولاً نسبت به سمبل بزرگ باشگاهی ایتالیا- یوونتوس- روی خوش نشان داده‌اند و اکثراً این تیم را حمایت کرده‌اند. دلیل آن کاملاً مشخص است. بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال این کشور پیراهن این تیم را به تن داشته‌اند. زین‌الدین زیدان و قبل از او میشل پلاتینی که فرزند یک مهاجر ایتالیایی بود سال‌ها به عنوان دو فرانسوی در دامنه‌های آلپ فوتبال خود را دنبال کردند. پلاتینی متعلق به خیل عظیمی از مهاجران پراکنده ایتالیایی بود که در شرق و جنوب شرقی فرانسه اقامت داشتند و طی سال‌ها ورزشکاران زیادی را به تیم‌های ملی فرانسه تحویل دادند.

در ایتالیا و رسانه‌های این کشور وقتی قرار است صحبت از فرانسه و فوتبال این کشور شود معمولاً شاهد رفتارهای بزرگ‌منشانه مدیران آنها هستیم. در روزنامه‌ها گاهی اوقات از «پسرعموهای فرانسوی» نام برده می‌شود و روزنامه لاریپوبلیکا قبل از فینال جام جهانی خطاب به زیدان تیتر زد: «ما اینجا هستیم، فینال برابر یک دوست قدیمی».

کاخ صلح و صفا خیلی سریع فرو ریخت. در برلین یک شبه همه چیز عوض شد. زیدان و ماتراتزی نگاه میلیاردها نفر را به خود مشغول کردند تا پرونده جدیدی در باب روابط نه‌چندان حسنه دو طرف باز شود. برخورد این دو تا مدت‌ها خبرساز بود. پس از بازگشت بازیکنان فرانسه به کشورشان سگولن رویال که به احتمال فراوان به عنوان یک سوسیالیست رئیس‌جمهور آینده فرانسه است از زیدان به خاطر دفاع از حیثیت خانوادگی‌اش ستایش کرد. پی‌یر میلزا تاریخ‌شناس اجتماعی فرانسوی که نویسنده کتاب تاریخ ایتالیا است عقیده دارد این کینه فوتبالی ریشه در موضوعات اجتماعی دارد و فراتر از مسائل زمین سبز فوتبال است. «تصویری که بسیاری از فرانسوی‌ها از مردم ایتالیا دارند انسان‌هایی حقه‌باز است. خیلی‌ها ایتالیایی‌ها را سمبل دوز و کلک می‌دانند و مشهور است که می‌گویند یک ایتالیایی با ظاهری دوستانه چاقو را پشت کمرت بدون اینکه دیده شود قرار می‌دهد!»

البته اگر زیدان به جای ماتراتزی بازیکن کلیدی‌تر و محبوب‌تری را از بین ایتالیایی‌ها هدف قرار می‌داد قطعاً با واکنش‌های بدتری مواجه می‌شد. طرف او در درگیری ماتراتزی بود؛ مدافعی آب‌زیرکاه که اگر نستا مصدوم نمی‌شد بعید بود به تفکرات لیپی برای قرار گرفتن در ترکیب ثابت تیمش راه پیدا کند. مسلماً اگر زیدان به عنوان مثال ضربه سر معروفش را نثار کاناوارو می‌کرد ایتالیایی‌ها برای حمله کلامی به او خیلی بی‌تفاوت نمی‌نشستند. پس از آن موج جدیدی به راه افتاد. ویلیام گالاس مدافع فرانسه با لحن بسیار تندی گفت: «شکست مقابل حریفی که لیاقت بردن را داشته باشد کاملاً قابل قبول است اما وقتی با افرادی مثل ماتراتزی روبه‌رو می‌شوید فقط دوست دارید یک سیلی محکم به صورت آنها بزنید. بهترین روش هم مقابل ایتالیایی‌های حقه‌باز همین است.» یک هفته پس از فینال یک روزنامه فرانسوی (Journal du Dimanche) درباره مردمی‌ترین چهره فرانسه دست به یک نظرخواهی زد. زیدان که دسامبر قبل از آن از این حیث وضعیت چندان جالبی نداشت ۴۸ درصد آرا را به خود اختصاص داد. حمایت‌ها از او حتی به عرصه ادبیات هم کشیده شد. برنارد آنری لوی فیلسوف، او را با شخصیت‌های افسانه‌های روم باستان مقایسه کرد و آهنگ معروف ضربه سر زیدان دهان به دهان بین مردم پخش شد. هنوز هم بسیاری از مردم در شوخی‌های روزانه خود با دوستان ادای ضربه سر معروف زیدان را درمی‌آورند. این حمایت مردمی از زیدان در فرانسه حسادت عجیبی را بین ایتالیایی‌ها برانگیخت. پائولو مالدینی کاپیتان سابق آتزوری در این خصوص گفت: «برای اولین بار بود که یک بازیکن به خاطر اظهاراتش در زمین محروم می‌شود. یکی از دلایل آن این است که ماتراتزی پیراهن ایتالیا را به تن داشت.» و بوفون ادامه داد: «شاید مقامات فیفا ترجیح می‌دادند تیم دیگری را غیر از ایتالیا به عنوان قهرمان ببینند.»

■ جدال انتقامی

مسلماً برای هواداران فرانسوی که چهارشنبه‌شب ورزشگاه استاددوفرانس را پر خواهندکرد بزرگترین تاسف غیبت مارکو ماتراتزی است. همه برای انتقام گرفتن از او لحظه‌شماری می‌کردند و ماتراتزی می‌توانست مهمان افتخاری چهارشنبه‌شب برای فرانسوی‌ها لقب بگیرد. هر چند معمولاً در فوتبال حرفه‌ای امروز بازیکنان تلاش می‌کنند از رجزخوانی‌های توام با عصبانیت قبل از بازی‌های حساس پرهیز کنند اما در لابه‌لای سخنان فرانسوی‌ها این احساس انتقام‌گیری کاملاً القا می‌شود. فرانک ریبری می‌گوید: «کاملاً مشخص است انگیزه‌های بسیار زیادی برای انتقام گرفتن از شکست جام جهانی داریم.» او کاملاً به برخورد زیدان و ماتراتزی اشاره می‌کند. و ریموند دومنک عقیده دارد تیمش سزاوار بالا بردن جام جهانی بوده است و بازیکنان کاملاً انگیزه شکست فرانسه را دارند. در هر صورت فرانسه خود را برای یک دوئل تمام‌عیار آماده می‌کند. فوتبال این کشور پیشرفت کرده است و ایتالیایی‌ها نمی‌توانند چشم خود را روی این واقعیت ببندند. حضور تماشاگران در ورزشگاه‌های این کشور رو به افزایش است و اکنون لیون تلاش می‌کند بهترین بازیکنان یوونتوس را جذب کند؛ رویایی که تا چند سال قبل غیرممکن به نظر می‌رسید. چهارشنبه شب رقابت کینه‌ای دو تیم فصل جدیدی را شروع می‌کند. در فرانسه همه زیدان را ستایش می‌کنند و ماتراتزی در ایتالیا یک قهرمان تلقی می‌شود.

منبع: Financial Times

زندگی عجیب و تازه بوفون

یک دیوانه ستودنی

امی لارنس

ترجمه: وصال روحانی

جان لوئیجی بوفون روزهای عجیبی را می‌گذراند. او امشب در «استاددوفرانس» پای در میدان می‌نهد تا دوباره روبه‌روی تیمی بایستد که قدری کمتر از دو ماه پیش در فینال جام جهانی آلمان در برابر وی کم آورد و مقام قهرمانی را به او و یارانش در اردوی آتزوری سپرد. بازی جدید ایتالیا - فرانسه در گروه دوم فوتبال جام ملت‌های اروپا ۲۰۰۸ برگزار می‌شود و طبعاً خاطرات پیکار پرماجرای برلین را به اذهان خواهد آورد.

با این حال جیجی بوفون فقط سه روز بعد با تیم باشگاهی‌اش (یوونتوس) حضور خود را در فصل جدید لیگ دسته دوم فوتبال ایتالیا در شهر ریمینی شروع خواهد کرد. این شهر بندری یک تیم کوچک دارد که در پایان فصل گذشته به دشواری از سقوط به دسته سوم نجات یافت و در «سری B» ماندنی شد و تعداد تماشاگران مسابقات خانگی‌اش طی فصل از ۴ هزار تن فراتر نمی‌رود. استادیوم این باشگاه رومئونری نام دارد و دوروبر زمین فوتبال آن یک پیست مخدوش دوومیدانی هم وجود دارد و بدتر از آن سکوهای پشت دروازه‌ها است که آثار ترک خوردن و عدم رسیدگی به آنها کاملاً محسوس است. بدتر از این هم برای یووه امکان‌پذیر است، زیرا این تیم در ادامه فصل باید به زمین تیم‌های گمنام دیگری مثل کروتون، آلبینولفه و فروسینونه هم سفر کند و در آن مکان‌ها هم به میدان آید.

با این اوصاف بوفون تنها عضو تیم ملی ایتالیا است که پس از مشکلات «اخیراً به وجود آمده» برای یوونتوس در این تیم ماندنی شده است. آیا او دیوانه شده است؟ پس از جنجال‌های اخیر و ارجاع قهرمان ۲۹ دوره مسابقات «سری A» به دسته دوم ایتالیا ساده‌ترین و حتی منطقی‌ترین اقدام این بود که بوفون هم مثل بسیاری از یارانش یووه را ترک کند و به تیم دیگری بپیوندد اما او تصمیم گرفت که بماند و در مقام توضیح گفت که مشکلی با حضور در رقابت‌های «سری B» ندارد. او در جام جهانی امسال به عنوان برترین دروازه‌بان انتخاب شده بود و فقط دو گل خورد و با این وجود گفت: «به هر حال هر کس نظرات مختص خودش را دارد و من نیز همین‌طور. من می‌خواهم در تورین بمانم تا جواب احترام و برخورد خوبی را که باشگاه با من داشته است، بدهم.»

این در حالی است که فابیو کاناوارو، لیلیان تورام، جان‌لوکا زامبروتا، امرسون، پاتریک ویرا و زلاتان ابراهیموویچ دل‌آلپی را ترک کرده و عضو تیم‌های دیگری شده‌اند و همین مسئله درک و هضم تصمیم بوفون را دشوارتر ساخته است. مائورو کامورانزی آرژانتینی‌الاصل هم در دل آلپی ابقا شده، اما حقیقت آن است که او نیز مثل «رفته‌ها» بسیار کوشید که تیم دیگری را بیابد و با هر کس و هر باشگاهی که می‌توانست مامن و خانه جدید او باشد، تماس گرفت و کوشید که راه انتقال به یکی از آنها را هموار کند، اما نتوانست و دلیل این که او هم مثل بوفون در فصل جدید یووه را در «سری B» همراهی خواهد کرد، همین مسئله است. شاید استدلال شود که الکس دل‌پیرو و پاول ندود هم در یوونتوس ماندنی شده‌اند، اما آنها در ۳۳ و ۳۴ سالگی کمترین راه را تا بازنشستگی دارند و موضوع‌شان با بوفون که در ۲۸ سالگی در اوج نشاط و توانایی‌اش به سر می‌برد، بسیار فرق می‌کند. به واقع او با تصمیم عجیبی که گرفته، در طول فصل جدید فقط طی ۴، ۵ بازی تیم ملی ایتالیا میادینی بزرگ را تجربه خواهد کرد و در سایر موارد فقط لیگ دسته دوم ایتالیا را به چشم خواهد دید.

■ دیدار مهم امشب

یکی از آن میادین مهم، دیدار امشب در برابر فرانسه است. برای تعدادی از نفرات دو تیم و به خصوص ایتالیا، شرایط در قیاس با گذشته بسیار فرق کرده است. یکی از آنها فابیو گروسو مدافع چپ گلزن آتزوری است که در ۲ ماه فیمابین از پالرموی تقریباً کوچک به اینتر بزرگ نقل مکان کرده است. مارچلو لیپی مربی مو نقره‌ای ایتالیا که قهرمانی جالب این کشور را پی ریخت استعفا داده و به تعطیلات رفته است. زین‌الدین زیدان در اردوی فرانسه به کلی بازنشسته شده است. فابین بارتز دروازه‌بان مشهور فرانسه هم وقت زیادی را در تولوز مصروف رسیدگی به مادر بیمارش کرده است و با جدایی از المپیک مارسی، فعلاً بدون تیم و باشگاه است. البته برای شماری از حاضران در فینال جام جهانی هجدهم تغییر چندانی حادث نشده است. ریموند دومنک هنوز مربی فرانسه است و همچنان متهم به این است که تیری آنری آرسنالی را با استفاده بیش از حد از وی خسته می‌کند و سران چلسی هم او را به شدت کوبیده‌اند زیرا به‌زعم آنها پای فشردن او بر ادامه حضور کلود ماکلله در بازی‌های ملی فرانسه در عین اعلام بازنشستگی ملی از جانب این هافبک وسط پرتوان، به مثابه برده‌داری است.

با این که ماکلله سعی کرده است با مشتاق جلوه دادن خود برای حضور در دیدار امشب با ایتالیا از بار برخورد و تلاقی مدیران چلسی با دومنک بکاهد، اما همه می‌دانند که او در دل مایل به پایان دادن به بازی‌های ملی‌اش و تمرکز بر مسابقات چلسی بوده است. واقعاً جالب است. ماکلله از بازی‌های ملی فراری است، ولی بوفون تنها راه برای ابراز وجود و یادآوری «زنده بودن» خود را در ادامه حضور وسیع در دیدارهای تیم ملی ایتالیا می‌داند وگرنه با شرکت در مسابقات «سری B» هیچ‌کس حتی متوجه بقای وی نیز نخواهد شد. خود جیجی بوفون هم منکر این وجه از قضیه و دیدگاه خاص خود نیست. «تیم ملی ایتالیا و شرکت در مسابقات آن همیشه برای من مهم بوده است، اما امسال از همیشه پراهمیت‌تر است. به واقع فقط با ابراز وجود در این رقابت‌ها است که من می‌توانم به ادامه کارم در بالاترین سطح فوتبال دنیا امیدوار باشم.»

با این حال ایتالیا ادامه حیات و حفظ شکوهش زیر نظر روبرتو دونادونی را دشوار یافته است و شرایط و اوضاع بسیار شکننده‌تر از دوران حضور لیپی در اردوی ملی این کشور است. هافبک سابق میلان تعداد قابل ملاحظه‌ای از فاتحان جام هجدهم را در ایام زمامداری خود به اردوی ملی دعوت نکرده که البته برخی اجباری بوده است. به عنوان مثال الساندرو نستا همچنان مصدوم است و مارکو ماتراتزی پس از تحریک زیزو به زدن آن ضربه سر مشهور به سینه وی، دو جلسه محروم شده است.

توتی هم ترجیح می‌دهد تا پایان سال جاری (میلادی) برای ایتالیا بازی نکند و از ۲۰۰۷ بازگردد. با این حال حضور آنتونیو کاسانو هم‌باشگاهی پیشین کاپیتان رم در دیدار امشب پاریس بدین معنا است که این مسابقه به احتمال قوی بدون مشکل و برخورد سپری نخواهد شد.

■ انکار و تایید

سه روز بعد از آن، یارانی که در کنار بوفون روبه‌روی تیم ریمینی در لیگ سری B ایتالیا خواهند ایستاد، شباهت زیادی به تیمی نخواهند داشت که اواسط بهار امسال یووه را برای دومین سال متوالی فاتح اسکودتو ساختند. (این عنوان بعداً از یوونتوس گرفته و به اینتر تحویل داده شد.)

همگان اعتقاد داشته‌اند که سران پیشین یوونتوس با تماس گرفتن با داوران و سایر مسئولان، این عنوان و همچنین مقام قهرمانی «سری A» ۲۰۰۵ را به واقع «خریده»اند و حتی یوونتوس که همیشه منکر آن بوده و در دو ماه اخیر به کرات به دادگاه‌های ایتالیا فرجام‌خواهی کرده و طالب لغو حکم سقوطش به دسته دوم کشور شده بود، اخیراً پذیرفته که از خیر پیگیری قضایی مسئله بگذارد و موضوع را مختومه تلقی کند.

بدتر از همه این که تیم راه‌راه‌پوش تورینی باید «سری B» را با ۱۷ امتیاز منفی شروع کند، زیرا این هم بخشی از مجازات‌های معمول برای باشگاه است و باز بدتر آنکه همان تیم‌های گمنام دسته دوم که پیشتر نام برخی از آنها را آوردیم، از جان مایه خواهند گذاشت تا این تیم نامدار را بزنند و مشهور شوند و حتی دیدیه دشان مربی فرانسوی‌ای که اشتباه کرده و جانشینی کاپلو را در جمع گورخرها پذیرفته، به این مسئله معترف است و می‌گوید: «حریفان در برابر ما بهترین بازی‌های عمر خود را ارائه خواهند کرد.» از بوفون بپرسید، چون او هم معتقد به وجود دشواری‌های ناشناخته برای یووه است. «وقتی در سری A بودم تمام تکه‌ها و نقاط قوت و روش کار مهاجمان شاغل در آن را می‌شناختم و می‌دانستم که چه باید بکنم، اما الان اکثر قریب به اتفاق بازیکنان لیگ دسته دوم را نمی‌شناسم و در ظلمات قرار دارم. باید بنشینم و مطالعه کنم و نحوه کار آنان را یاد بگیرم.» بر این اساس شاید جیجی بوفون دیوانه هم نباشد و یا اگر باشد، دیوانه‌ای ستودنی و قابل تحسین باشد.

منبع: guardian

نگاه

گفت‌وگو با فرانکو باره‌سی:

کاپلو برای موفق شدن فقط نیاز به زمان دارد

اکنون باره‌سی مسئولیت تیم زیر هفده سال میلان را در رقابت‌های جهانی این رده سنی بر عهده دارد. این افسانه فوتبال سرزمین کوه‌های آلپ، در تحلیلی در سایت AS، از رئال مادرید کنونی با عنوان Made in Italy (ساخته شده در ایتالیا) نام برد. فرانک رایکارد، کارلو آنچلوتی، دونادونی، مارکو فان‌باستن، بازیکنان آن میلان افسانه‌ای سال‌های دهه ۹۰ که سه جام اروپایی و شش اسکودتو را به خانه بردند، حالا مربیان سرشناسی هستند. به نظر می‌رسد آریگو ساچی پی آن بنا را محکم گذاشت. بله، بدون شک آریگو خالق تیمی پرستاره بود و به ما هم خیلی چیز یاد داد، حالا همه آن شاگردها مثل فرانک، کارلو و مارکو همان ذهنیت قهرمانی را دارند و آن را به شاگردان خود انتقال می‌دهند.

■■■

■ شما آهسته‌تر پیش می‌روید، اکنون هدایت تیم جوانان میلان را در دست دارید. مایلید یک روز آن قدم بزرگ را برداشته و سرمربی تیم بزرگسالان (میلان) شوید؟

بله، مسلماً، این روزها مسئولیت تیم پایه را در اختیار دارم و از آن برای تجربه‌اندوزی، آموختن و پیشرفت استفاده می‌کنم و اگر یک روز امکان قرار گرفتن در صدر کادر فنی تیم اصلی را یافتم، از پیدایش این افق نو بسیار راضی و خشنود خواهم بود.

■ زمانی که کاپلو، آخرین سال بازیگری خود را می‌گذراند، شما تازه پا در سال اول بازی حرفه‌ای خود گذاشته بودید و کمی بعد او مربی شما شد و حالا او زیر تیغ تیز انتقادات، اولین روزهای سرمربی‌گری خود در رئال را به سختی می‌گذراند. فکر می‌کنید هموطن‌تان در رئال موفق خواهد شد؟

(با چشمانی گرد شده از تعجب) فابیو هدف انتقادات است؟! چرا؟

■ چون رئال خوب کار نمی‌کند و نمی‌تواند نظر هواداران را جلب کند. بازی آنها چنگی به دل نمی‌زند و از تیمی که او سرمربی آن است انتظار نمی‌رود این تعداد گل خورده داشته باشد.

فابیو، به عنوان سرمربی خیلی از تیم‌های بزرگ، بسیار کارکشته است، او کوچ بزرگی است. اما مسئله این است که در فوتبال برای ساختن یک تیم خوب، پیاده کردن یک برنامه مدون و اینکه همه امور به نحو مطلوب پیش بروند نیاز به زمان هست و او هنوز این زمان را در اختیار نداشته است. بهترین اثباتگر اعتبار کاپلو این است که او ده سال پیش، در اولین دوره سرمربیگری خود در رئال موفق بود و نیز اینکه او در آنجا معمار فوتبالی کلاس بالا شد.

■ با اینکه کاسانو به وضوح بهتر شده است ولی هنوز نمی‌توان او را به چشم یک مادریدی نگریست.

بله، اما او استعداد خارق‌العاده‌ای دارد، مدت زیادی را از شرایط آرمانی به دور بوده، این درست، اما چیزی از هوش و کیفیت کار خود را از دست نداده است. اینکه کاپلو در رئال بماند برای او خوب است چون فابیو از او بالاترین بازده را استخراج خواهد کرد.

■ تقریباً همگان بر این عقیده‌اند که شما در زمان بازی‌تان، از بهترین مدافعان بوده‌اید، نظرتان در مورد کاناوارو چیست؟

بازیکن بزرگی است، او بازیکن مهمی برای تیم‌هایی بوده که در آنها توپ زده است و یقیناً در رئال نیز خواهد بود، کار او واقعاً خوب است.

■ شما سالیان مدیدی را در کسوت کاپیتان تیم ملی ایتالیا سپری کرده‌اید و شاید به همین دلیل بشود کاناوارو را با شما مقایسه کرد، آیا کاناوارو شبیه‌ترین بازیکن به باره‌سی است؟

نه، بازی او بسیار متفاوت با من است. کاناوارو همانطور که در یوونتوس و تیم ملی ثابت کرده، بازیکن بزرگی است، ولی نمی‌شود او را با کسی مقایسه کرد، با این حال واضح است که می‌شود از کاناوارو انتظارات زیادی داشت.

■ شما یکی از پنالتی‌های ایتالیا را مقابل برزیل در فینال جام جهانی ۹۴ آمریکا خراب کردید. آیا غلبه بر فرانسه در آلمان در ضربات پنالتی مرهمی بر این درد بوده است؟

بله، این افتخار را در آن سال از دست دادیم، اما بالاخره در این ضیافت چیزی هم نصیب ما شد، نوبت ما هم بود چون در جام جهانی آمریکا در ضربات پنالتی به برزیل باختیم و فینال جام ملت‌های اروپای سال ۲۰۰۰ را هم با همین ضربات به فرانسه واگذار کردیم.

■ در سال ۱۹۸۲، ایتالیا با رسوایی توتوکالچیو قدم به جام جهانی اسپانیا گذاشت و آن را تصاحب کرد. امسال هم فضاحت موگی-گیت به وجود آمد. چرا؟

قضیه موگی-گیت باعث تشویق بازیکنان ما شد، مردان ما بیشتر از همیشه متحد شدند چون می‌خواستند نشان دهند که بر خلاف همه این مسائل بیرون از تیم، فوتبال آنها زنده است.

■ اگر اجازه بدهید کمی در مورد این رقابت‌ها (مسابقات جهانی زیر ۱۷ سال) صحبت کنیم که دلیل آمدن شما به لامانش است. انگیزه یک فوتبالیست جوان، از بازی در یک کشور غریب و جلوی بازیکنانی از چهار قاره دنیا چه می‌تواند باشد؟

این برای آنها خیلی مفید است، تجربه‌ای بسیار جالب و نیز فرصتی برای شناخت دیگر فرهنگ‌ها، چه در زمینه کلی و چه در مورد فوتبال.

منبع: AS